

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با حمایت معنوی مرکز علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۹۸/۲۳۵۱-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۸ شماره مقاله: ۸۸۹۵/۰۵۰۰۶ رده بندی کنگره: غ ۱۰۱/۴۷۲

نگاهی حقوقی به تشریفات اقامه دعوی جلب ثالث

حدیث رستمی

پژوهشگر و مشاور حقوقی

چکیده

هرگاه یکی از اصحاب دعوی اصلی فراخواندن شخص ثالثی را به دادرسی لازم بدانند، می توانند اقدام به جلب ثالث نمایند. پیش بینی امکان جلب ثالث و رسیدگی توأم نسبت به این دعوا در کنار دعوی اصلی، مزایای مهمی از قبیل جلوگیری از صدور آرای معارض، جلوگیری از تکرار و تکثر بیهوده دعوی، صرفه جویی در هزینه و زمان برای اصحاب دعوا و دادگستری به همراه دارد. وجود ابهام در برخی مسائل مربوط به جلب ثالث، موجب حدوث اختلاف نظر در این موارد، تشتت در رویه قضایی و شکل گیری برخی رویه های غلط در نزد محاکم گردیده است. فلسفه وجودی و کاربرد نهاد جلب ثالث، امکان یا عدم امکان تقسیم جلب ثالث به اصلی و تقویتی، موقعیت مجلوب ثالث تقویتی در صورت پذیرش آن و تفکیک آن از مفاهیمی نظیر شهادت، تاثیر ارتباط بین دعوی اصلی و جلب ثالث در قابلیت شکایت رای و ... از جمله مهمترین سوالات و ابهامات موجود در این زمینه به شمار می روند. جلب ثالث را نمی توان به عنوان وسیله ای برای جبران اشتباه خواهان در کیفیت اقامه دعوا به کار برد. علیرغم اینکه در مواد قانونی اشاره ای به انواع جلب ثالث نشده است لیکن اکثر نویسندگان حقوقی آن را به دو نوع اصلی و تقویتی تقسیم نموده اند، البته در این امر اتفاق نظر وجود ندارد و برخی نویسندگان این تقسیم بندی را نپذیرفته اند.

واژگان کلیدی: جلب ثالث، دعوی اصلی، دعوی تبعی، ورود ثالث، اصحاب دعوا

بخش اول: مفهوم و انواع جلب شخص ثالث

بند اول: مفهوم جلب شخص ثالث

جلب در لغت به معنای کشیدن و آوردن آمده است و ثالث در لغت به معنای سوم، شخص سوم می باشد. «شخص ثالث به معنای شخص سوم است. چون غالباً دعاوی توسط یک شخص به طرفیت شخص دیگر مطرح می گردد، اصطلاحاً طرفین دعا و دوشخص تلقی می گردند و اشخاص غیر از طرفین دعا عرفاً "شخص ثالث" نامیده می شود. ممکن است در یک دعا خواهان حتی دهها نفر باشد و خوانده نیز دهها نفر دیگر، اما در این صورت به عنوان مثال خواهان ردیف سوم یا خوانده ردیف دوم شخص ثالث محسوب نمی شود بلکه تمام خواهانها به عنوان یک شخص مجازی و تمام خواندگان نیز یک شخص دیگر مجازی تلقی می شوند. به عبارت روشن تر خواهان یا خواهانها به عنوان شخص اول، خوانده یا خواندگان بعنوان شخص ثانی دعا و اشخاص غیر از اینها شخص ثالث تلقی می شوند که معنی اصطلاحی شخص ثالث بامعنی لغوی و عرفی آن اندکی فاصله گرفته است.» به عقیده برخی از حقوقدانان هنگامی که دعوایی در یکی از محاکم مدنی مطرح می شود، جز خواهان و خوانده که نامشان در دادخواست آمده است، هر شخص دیگری نسبت به آن پرونده، بیگانه و به اصطلاح قانونی «شخص ثالث» نامیده می شود. در تعریف اصطلاحی جلب ثالث چنین آمده است: «دعوایی از دعاوی متفرع بر دعاوی دیگر است که در آن هریک از اصحاب دعا در مراحل نخستین و پژوهش، می توانند ثالث را جلب به دعا کنند، یعنی او را طلب کنند و ثالث مذکور عنوان اصحاب دعا را خواهد داشت و مجلوب ثالث نامیده می شود.» ماده ۱۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی در این خصوص مقرر می دارد: «هریک از اصحاب دعا که جلب شخص ثالثی را لازم بدانند می تواند تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست از دادگاه درخواست جلب او را بنماید. چه دعا در مرحله نخستین باشد یا تجدیدنظر.» باتوجه به ماده فوق شاید بتوان دعاوی جلب ثالث را چنین تعریف نمود: هرگاه هریک از طرفین دعاوی اصلی حضور شخص سومی را که از اصحاب دعا نمی

باشد، در دعوی طرح شده لازم بدانند می توانند اقامه دعوی جلب ثالث نمایند. مثلاً «شخصی به اشتباه بدهی خود را به غیرستانکارا دانموده و در نتیجه بستانکار واقعی علیه او به خواسته طلب مزبور اقامه دعوی نماید و خوانده، گیرنده وجه را در دعوی عنوان ثالث جلب می کند تا به استرداد آن محکوم شود.» شخصی که دیگری را به دعوی جلب می کند «جالب» و شخصی که به دعوی جلب می شود «مجلوب ثالث» نامیده می شود. «جلب» در این مبحث حقوقی با «دستور جلب» دادستان و باز پرس در امور جزایی که به موجب ورقه جلب انجام می پذیرد کاملاً فرق دارد. در آنجا به دستور باز پرس یا دادیار شخص را به استناد برگ جلب صادره دستگیر کرده و برخلاف میل خودش به محلی که احضار شده است می آورند. اما در اینجا مجلوب (خوانده) به موجب دادخواست حقوقی جلب می گردد و هیچکس نمی تواند او را دستگیر کند وی مختار است در دادگاه حاضر شود و به دفاع از خود اقدام کند.^۲ لازم به ذکر است «تقسیم دعوی و اصحاب دعوی به اصلی و طاری از مستحدثات فرهنگ حقوقی است و در فقه اسلامی دیده نمی شود.»^۳ اما فقه باین تقسیم بندی مخالفتی ندارد و در عمل آن را پذیرفته است.

بند دوم: انواع جلب شخص ثالث

جلب ثالث علیرغم عدم تقسیم آن توسط قانونگذار، به وسیله حقوقدانان به دودسته اصلی و تقویتی تقسیم شده است که در توضیحات ذیل مشروحاً توضیح داده می شود.

الف) جلب شخص ثالث اصلی

انگیزه جالب از جلب ثالث متفاوت است، براساس همین انگیزه متفاوت جلب ثالث به دو دسته اصلی و تقویتی تقسیم می شود. جلب ثالث اصلی یا استقلالی زمانی روی می دهد که یکی یا طرفین دعوی اصلی، ثالثی را به دعوی فراخواند و خواستار محکومیت وی باشد. به عبارت دیگر جالب مستقیماً حقی علیه ثالث ادعا می نماید. گاهی جالب، خواهان دعوی اصلی است که مجلوب را به دادرسی دعوت می نماید تا به همراه خوانده دعوی اصلی محکوم شود. به عنوان

۱- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد سوم، انتشارات دراک، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷، ص ۴۸

۲- امامی رضوی، کاظم، حقوق به زبان ساده، ثالث، مجله حقوق امروز، سال دوم، شماره ۱۷، ص ۵۲

۳- حسینی، محمد، مداخله شخص ثالث در دادرسی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۶، ص ۱۳

مثال «دردعاوی اسناد تجاری فرد ابتداء علیه صادرکننده سندتجاری دعوا مطرح می کند، اما هنگامی که متوجه می شود از او نمی تواند طلب خود را وصول کند، ظهنویس آن سندتجاری را به دادرسی جلب می کند و محکومیت تضامنی آنها را از دادگاه می خواهد.»^۱ و دربرخی موارد ثالث جلب می شود تا مستقلاً و به تنهایی در برابر جالب محکوم شود. «معمولاً جلب ثالث از طرف مدعی علیه صورت می گیرد ولی این بدان معنی نیست که از جانب مدعی امکان جلب ثالث نباشد.»^۲ برای مثال خواهان علیه خوانده اقامه دعوی مالکیت ملکی رامی نماید. خوانده فروشنده را به دعوا جلب می نماید تا بتواند ثمن و خسارات را از وی دریافت نماید. در این صورت یا محکومیت مجلوب به تنهایی مدنظر جالب می باشد و یا اینکه جالب، خواهان محکومیت مجلوب ثالث به همراه طرف دیگر دعوی اصلی است. مثلاً «در دعوایی که دارنده سفته علیه صادر کننده سفته نموده دایره مطالبه ی یک میلیون ریال وجه سفته، خوانده ی چنین دعوایی که فرضاً به فرش فروشی حواله داده بود تا معادل وجه سفته فرش تحویل دارنده سفته دهد و او نیز چنین کرده است، اکنون فرش فروش را به عنوان مجلوب ثالث به دعوا فرا می خواند. بدیهی است فرش فروش موصوف تمام مساعی خود را به کار می برد تا ثابت کند که به حواله صادرکننده ی سفته معادل یک میلیون ریال فرش به دارنده سفته داده بود و در چنین حالتی بدیهی است جلب ثالث باعث محکومیت دارنده سفته خواهد شد و در صورت عدم اثبات تحویل فرش، لااقل فرش فروش حقی به مطالبه مبلغ مذکور از صادرکننده ی سفته را ندارد.»^۳ احکم اصراری هیات عمومی تمیز به شماره ۱۱۲۰ مورخ ۱۳۱۶/۵/۱۵ بیان می دارد: «معترض به ثبت، ضمن دعوی اعتراض به ثبت می تواند شخص ثالث (یعنی غیر متقاضی ثبت) را جلب کند.»

بند دوم: جلب ثالث تقویتی

هرگاه مجلوب جهت تقویت و حمایت از موضع جالب به دعوا فرا خوانده شود، چنین دعوایی را جلب ثالث تقویتی گویند که در این نوع جلب، محکومیت مجلوب مدنظر جالب نمی باشد و نقش مجلوب صرفاً حمایت از جالب می باشد. جلب ثالث تقویتی همانند جلب ثالث اصلی

۱- کریمی، عباس، آیین دادرسی مدنی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۴

۲- مدنی، جلال الدین، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۹۸۷، ص ۶۴۴

۳- واحدی، قدرت الله، بایسته های آیین دادرسی مدنی، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۴، ص ۳۲۹

میتواند از جانب خواهان و یا خواننده دعوای اصلی صورت گیرد. مثلاً: «فرض کنید شخصی نسبت به یک قطعه زمین درخواست تنظیم سند نموده و بر علیه خواننده به طور غیابی حکم گرفته باشد. خواننده وقتی متوجه قضیه می شود می خواهد به حکم اعتراض کند ولی مدارک لازم را در اختیار ندارد چرا که زمین توسط یک بنیاد خیریه در اختیار او گذاشته شده است ولی هنوز مدارک لازم به او تسلیم نگردیده است. بنابراین ضمن تقدیم دادخواست وخواهی تقاضای جلب ثالث هم می کند.»^۱ یکی از اساتید حقوق تقسیم بندی متفاوتی از جلب ثالث بیان نموده است: «هنگامیکه از جانب اصحاب دعوا، مستقیماً حقی علیه ثالث اقامه شود جلب ثالث اصلی گویند. اما هرگاه ثالث همراه با طرف مقابل محکوم شود تا اعتبار امر قضاوت شده او را دربرگیرد و زمانی که ثالث جلب می شود تا موضع جالب تقویت نماید جلب ثالث تقویتی صورت می گیرد.» اما به طور کلی دو تقسیم بندی برای جلب ثالث وجود دارد: ۱- جلب ثالث اصلی که در این حالت فرقی نمی کند مجلوب مستقلاً محکوم شود یا به همراه طرف دیگر دعوای اصلی ۲- جلب ثالث تقویتی که مجلوب صرفاً برای حمایت و تقویت موضع جالب به دعوا فرا خوانده می شود. سوالی که در این بحث پیش می آید این است که آیا علیرغم عدم تقسیم قانونگذار در زمینه جلب ثالث به جلب ثالث اصلی و تقویتی، این تقسیم بندی توسط حقوقدانان صحیح می باشد؟ وقتی که شخصی به دعوا جلب می شود جایگاه یکسانی ندارد، ممکن است جهت محکوم شدن در برابر جالب یا جهت تقویت موضع جالب به دعوا فرا خوانده شود. در این صورت اگر این دو جایگاه را تفکیک نماییم واحکام مجلوب ثالث که همان احکام خوانده می باشد بر آن به طور کلی بار نماییم با عدالت حقوقی سازگار نمی باشد زیرا شخصی که صرفاً برای حمایت و تقویت موضع جالب به دعوا جلب می شود و طبق رویه قضایی فاقد بسیاری از حقوق تکالیف خواننده است مسلماً موقعیت وی با شخصی که جهت محکوم شدن در برابر جالب به دعوا فرا خوانده می شود، متمایز است.

۱- قلی زاده، احد، آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب (۳)، چاپ دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰

۲- مقصودپور، رسول، دعوای طاری و شرایط اقامه آن، انتشارات مجد، ۱۳۹۱، ص ۳۸۲

بخش دوم: شرایط اقامه ی دعوای جلب ثالث

دعوای جلب ثالث از انواع دعوای طاری است که برای اقامه آن شرایطی باید رعایت شود. بعضی از این شرایط مربوط به اقامه دعوا به طور کلی است که در همه دعوای باید رعایت شود و برخی دیگر به دعوای جلب ثالث مربوط می شود. شرایط عمومی اقامه دعوا مشتمل بر نفع، سمت و اهلیت می باشند. این شرایط در عموم دعوای اعم از اصلی و طاری بایستی رعایت شوند. لذا، رعایت شرایط مزبور در اقامه دعوای جلب ثالث نیز ضروری است که ذیلاً به توضیح و تبیین هریک از این شرایط خواهیم پرداخت.

۱. نفع

شخصی حق اقامه دعوادارد که نفعی در آن موضوع داشته باشد. هیچ فردی نمی تواند اقدام به تعقیب دعوایی نماید که هیچ سودی برای وی ندارد. این شرط در ماده ۲ ق.آ.د.م بیان شده است. به موجب این ماده «هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشد.» احراز این شرط در تمام دعوای از جمله دعوای جلب شخص ثالث که خود دعوایی کامل می باشد، ضروری است. پس جالب باید در صورت اقامه دعوای جلب و محکوم شدن مجلوب به طور مستقل یا به همراه طرف دیگر دعوای اصلی، سودی کسب نماید. این نفع یا سود می تواند مصداق های گوناگون داشته باشد. نحوه احراز ذینفعی جالب بستگی به نوع دعوای جلب دارد زیرا در جلب ثالث اصلی، جالب خواسته ای علیه مجلوب ثالث دارد که محکومیت وی در خصوص خواسته مطروحه را در خواست می نماید و باید راجع به همین خواسته ذینفع قلمداد شود، حال آنکه در جلب ثالث تقویتی، همین که بالحاظ اوضاع و احوال مورد، حضور مجلوب ثالث بتواند به تقویت موضع جالب بینجامد، برای احراز ذینفعی وی در جلب ثالث تقویتی کافی است. «جهت احراز ذینفع بودن خواهان دادگاه به موجود بودن یا نبودن حق اصلی خواهان در دعوای مزبور در این مقام، نباید عنایت نماید. در حقیقت بررسی وجود حق اصلی در زمانی باید شروع شود که دادگاه شرایط اقامه ی دعوای از جمله ذینفعی خواهان را احراز نموده

باشد.^۱ البته احراز وجود نفع برای جالب در دعوای اقامه شده مستلزم بررسی ارکان و شرایط نفع می باشد. از جمله حقوقی و مشروع بودن نفع، به وجود آمده و باقی بودن نفع، و شخصی و مستقیم بودن آن، که توضیح موارد بیان شده در حوصله این تحقیق نمی گنجد. اینکه مجلوب ثالث اصلی می تواند به ذینفع نبودن جالب ایراد نماید امری بدیهی است اما آیا مجلوب ثالث تقویتی هم می تواند این ایراد را در مقابل جالب مطرح نماید؟ با توجه به آنچه قبلاً گفته شد و طبق متن صریح قانون که مجلوب را خواننده دانسته، وی می تواند ایراد ذینفع نبودن جالب را بیان نماید. اما به بیان قانونگذار ایراد گرفته شد و گفته شد که نمی توان مجلوب ثالث تقویتی را خواننده محسوب و تمام احکام خواننده را بر وی بار نمود. طبق این نظر مجلوب تقویتی نمی تواند به ذینفع نبودن جالب ایرادی وارد نماید. لیکن ذینفع بودن جالب در اقامه دعوای جلب یکی از شرایط عمومی اقامه دعوا می باشد که در صورت نبودن آن به دعوای رسیدگی نمی شود، شاید بتوان از این دیدگاه مجلوب ثالث تقویتی را در طرح ایراد مختار دانست. موضوع بعد این است که آیا طرف دیگر دعوای اصلی می تواند به ذینفع نبودن جالب ایراد نماید؟ همانطور که گذشت طرف دیگر دعوای اصلی رانمی توان خواننده دعوای جلب ثالث تلقی نمود و ایشان به عنوان خواننده حق طرح ایراد ندارد. اما طبق مفهوم ماده ۱۳۷ ق.آ.د.م یک نسخه از دادخواست جلب ثالث باید به طرف دیگر دعوای اصلی هم ابلاغ شود. از این ماده بر می آید که ضرورت ابلاغ دادخواست جلب ثالث به طرف دیگر دعوای اصلی به این جهت است که شخص اخیر الذکر با آگاهی از دادخواست جلب، در صورت لزوم بتواند دفاع مناسب فراهم نماید. همچنین رسیدگی توأمان به دعوای اصلی و جلب ثالث به نوعی در حقوق وی نیز موثر است، به همین جهت ایرادی که می تواند منتهی به عدم پذیرش دعوای جلب ثالث گردد، از سوی طرف مزبور قابل طرح خواهد بود. در صورت پذیرش این نظر، مسلم است که وی می تواند در مقام خواننده به این امر ایراد نماید. اما اگر ابلاغ دادخواست جلب ثالث به طرف دیگر فقط از باب اطلاع وی از وقوع چنین دعوایی باشد، شخص مذکور نمی تواند به ذینفع نبودن جالب ایراد وارد نماید.

داشتن سمت در مواردی که شخصی به نمایندگی از دیگری اقامه دعوا می نماید از شرایط اقامه دعوا می باشد. مفهوم شرط سمت در بحث جلب ثالث اینست که اگر شخصی به نمایندگی از جانب خواهان یا خوانده دعوای اصلی مبادرت به تقدیم دادخواست جلب ثالث نماید، باید سمت نمایندگی او محرز باشد و به این منظور، باید مدرک مثبت سمت ارائه نموده باشد. طبق ماده ۳۵ ق.آ.د.م جهت اقامه دعوای جلب ثالث یا دفاع از آن نیاز تصریح این امر توسط موکل در وکالتنامه می باشد. به عبارت دیگر اصل بر این است که وکیل با داشتن وکالتنامه از موکلش باز هم اختیاری در این مورد ندارد مگر اینکه در وکالتنامه این امر صریحاً قید شده باشد. بند ۱۰ ماده ۳۵ ق.آ.د.م دادن اختیار در مورد اقامه دعوای جلب ثالث یا دفاع از آن را، بدون هیچ تفکیکی میان انواع جلب ثالث بیان نموده است. باینکه جلب ثالث تقویتی نقش حمایتی دارد اما اقامه آن یا دفاع از آن منوط به تفویض این اختیار از سوی موکل به وکیل است. عدم احراز سمت نماینده مزبور مانده دعوای دیگری نوعی ایراد محسوب می شود که مستنداً به بند ۵ ماده ۸۴ و ماده ۸۹ ق.آ.د.م منتهی به صدور قرار رد دعوا خواهد شد. حال با توجه به مراتب فوق این سوال پیش می آید که آیا نمایندگانی مانند قیم صغیر یا امین غائب مفقود الاثر، جهت اقامه یا دفاع از دعوای جلب ثالث اختیار تام دارد یا نیاز به صدور اجازه از سوی سازمان یا نهاد خاصی وجود دارد؟ آیا در قوانین خاص برای این امر شرایطی پیش بینی شده است؟ ماده ۱۱۹ قانون امور حسبی مقرر می دارد: «مقررات راجع به وظایف و اختیارات و مسئولیت قیم شامل امین و جنین هم می شود». مقرراتی که در زمینه اختیارات قیم بیان شده است هیچ محدودیتی برای اقامه دعوای جلب در نظر نگرفته است. اما ماده ۱۲۳ قانون ذکر شده، احکامی که برای اداره اموال عاجز تعیین می شود را همان احکام وکیل دانسته است. ماده مذکور مقرر می دارد: «امینی که برای اداره اموال عاجز تعیین می شود به منزله وکیل عاجز و احکام وکیل نسبت به او جاری است». ماده ۳۵ ق.آ.د.م راجع به وکلای دادگستری است، اما منظور ماده ۱۲۳ قانون امور حسبی از وکیل، به طور کلی نماینده قراردادی (اعم از وکیل دادگستری و غیر آن) است. لذا تصریح به اختیار جلب ثالث برای چنین وکیلی به نظر ضروری نیست. یکی از اساتید ایرادی را نسبت به ماده ۱۳۵ ق.آ.د.م با ذکر

مثالی بیان نموده است: شخص (الف) با وکالت دادن به (ب) علیه (ج) طرح دعوی کرده است. (ج) نمی تواند (الف) را به دعوی جلب نماید زیرا نماینده قراردادی (الف) یعنی (ب) در دعوی مطروحه مداخله دارد. شخصی که از طریق نماینده قراردادی، قانونی یا قضایی خود در دعوی اصلی شرکت دارد، به عنوان شخص ثالث، قابل جلب به دعوانمی باشد، بنابراین اطلاق ماده ۱۳۵ در مورد جلب هر شخصی به عنوان ثالث صحیح نیست. به نظرمی رسد نویسنده مذکور حساسیت زیادی به خرج داده است زیرا این از بدیهیات است که شخصی که نماینده قانونی یا قراردادی یا قضایی وی در دعوی شرکت دارد جزء اصحاب دعوی محسوب می شود و عنوان شخص ثالث بر وی اطلاق نمی شود. اما عکس این مورد یعنی ثالث محسوب نمودن وکیل یا نماینده و فراخواندن آنها به دعوا به عنوان مجلوب ثالث بلامانع است چون آنها نسبت به آن دعوا، ثالث محسوب می شوند و طرف دعوا به شمار نمی روند، پس منعی برای جلب آنها به دادرسی وجود ندارد.

۳. اهلیت

اقامه دعوا نوعی استیفای حق است. برای اقامه دعوا اهلیت استیفا (بلوغ، عقل و رشد) شرط است. صغیر و مجنون اهلیت اقامه هیچ دعوایی را ندارند و سفیه و تاجر ورشکسته در امور مالی اهلیت اقامه دعوا ندارند. اگر کسی مبادرت به طرح دعوا نماید در حالیکه اهلیت لازم برای اقامه دعوا را نداشته است، خوانده می تواند ایراد عدم اهلیت را به استناد بند ۳ ماده ۸۴ مطرح نماید و دادگاه بایستی در این مورد قرار رد دعوا صادر نماید. (ماده ۸۹ ق.آ.د.م) تمام آنچه که در خصوص شرایط عمومی اقامه دعوا و از جمله راجع به شرط اهلیت گفته شد، در عموم دعاوی اعم از اصلی و طاری جاری است. لذا، مقررات مزبور را می توان در زمینه دعوی جلب ثالث نیز اعمال نمود. اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می شود. (ماده ۹۵۶ قانون مدنی) هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچکس نمی تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد. (ماده ۹۵۸ قانون مدنی) خواهان دعوی جلب همانند خواهان هر دعوایی جهت اقامه ی دعوا باید دارای اهلیت باشد. از این جهت تفاوتی میان جلب ثالث اصلی و تقویتی نمی باشد و در هر دو حالت، جالب باید اهلیت داشته باشد تا بتواند اقدام به طرح دعوی جلب نماید. البته به دلیل اینکه جلب ثالث دعوی طاری است و به

تبع دعوای اصلی شکل می گیرد علی القاعده کسی که اقدام به جلب ثالث می نماید دارای اهلیت می باشد، زیرا وی از قبل طرف دعوای اصل نیز بوده است. البته چنانچه خواهان یا خوانده دعوای اصلی محجور باشد، نماینده وی (ولی یا قیم) در دادرسی شرکت نموده و عندالافتضاء می تواند از جانب مولی علیه اقدام به جلب ثالث نماید.

بخش سوم: شرایط اختصاصی اقامه ی دعوای جلب ثالث

جهت رسیدگی به دعوای جلب ثالث علاوه بر شرایط عمومی اقامه دعوای، رعایت شرایط اختصاصی دعوای جلب ثالث از جمله وجود دعوای اصلی، ارتباط بین دعوای اصلی و جلب ثالث و رعایت مهلت اقدام، لازم است. هریک از موارد مذکور توضیح داده می شود.

بند اول : وجود دعوای اصلی

دعوای اصلی به هر دعوایی گفته می شود که ابتدا از سوی خواهان علیه خوانده طرح می گردد. دعوای جلب ثالث یکی از انواع دعوای طاری است که به تبع دعوای اصلی شکل می گیرد. به عبارت دیگر تا دعوایی شکل نگرفته باشد دعوای جلب ثالث معنا پیدا نمی کند. اگر بدون وجود دعوای اصلی دعوایی دیگر شکل بگیرد، خود دعوایی مستقل است و دیگر دعوای طاری تلقی نمی شود. چون جلب ثالث در مرحله بدوی، و خواهی و تجدیدنظر قابل طرح است، در هریک از مراحل مزبور، دعوای اصلی باید در حال رسیدگی باشد تا بتوان جلب ثالث نمود. در غیر این صورت، عنوان دعوای جلب ثالث بر آن صدق نمی کند. اقامه دعوای طاری فرع بر وجود دعوای اصلی است و بدون وجود دعوای اصلی، اساساً عنوان دعوای طاری قابل تحقق نیست. یکی از نویسندگان در این زمینه چنین بیان می نمایند: «شرط تحقق دعوای طاری چنانکه از صریح ماده ۲۸ ق.آ.د.م (ماده ۱۷ قانون کنونی) دانسته می شود، این است که پس از طرح دعوای مقدم (دعوای اصلی) مطرح گردد. بنابراین اگر دعوای اجرت المثل و تخلیه باهم در یک دادخواست مطرح شود، دعوای طاری مصداق پیدا نمی کند.»^۱ چون هدف، رسیدگی توأمان به دعوای اصلی و جلب ثالث است، چنانچه مانعی برای رسیدگی ماهوی نسبت به دعوای اصلی وجود داشته باشد، رسیدگی به دعوای جلب ثالث نیز ممکن نخواهد بود. برای مثال،

۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، ص ۱۶

اگر دادخواست اصلی به لحاظ نقص شکلی مردود اعلام شود یا اینکه دعوی اصلی به لحاظ وجود نوعی ایراد، منتهی به صدور قرار رد دعوا گردد، رسیدگی به ماهیت دعوی اصلی میسر نبوده و رسیدگی به دعوی جلب ثالث نیز به عنوان یک دعوی طاری، غیرممکن می گردد. در چنین مواردی، دعوی جلب ثالث از دعوی اصلی تفکیک شده و در صورت صلاحیت دادگاه، جداگانه و با رعایت قواعد عام مورد رسیدگی واقع خواهد شد، آن هم در صورتی که جلب ثالث از نوع اصلی باشد و الا بار دادخواست یادعوی اصلی، رسیدگی به دعوی جلب ثالث تقویتی در هر حال منتهی می گردد.

بند دوم: ارتباط دعوی اصلی و جلب ثالث

با توجه به تعریف جلب ثالث و ماده ۱۷ ق.آ.د.م دعوی جلب ثالث، دعوی طاری است که به تبع دعوی اصلی اقامه می شود و برای اینکه قابلیت پذیرش و رسیدگی ضمن دعوی اصلی توسط دادگاه را داشته باشد باید شروط مقرر در ماده ۱۷ ق.آ.د.م را دارا باشد. ماده مذکور مقرر می دارد: «هر دعوی که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوی طاری نامیده می شود. این دعوا اگر با دعوی اصلی مرتبط یا دارای یک منشا باشد در دادگاهی اقامه می شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است.» دعوی جلب باید یکی از دو شرط را دارا باشد تا عنوان جلب ثالث بر آن صدق کند. لازم به ذکر است قید "ارتباط" و "ارتباط کامل" معنای متفاوتی دارند. اما بعضی از حقوقدانان آن را یکسان دانسته اند. ارتباط با ارتباط کامل قطعاً فرق می کند. ارتباط در ماده ۱۷ ق.آ.د.م آمده است و به دعوی طاری اشاره دارد. اما ارتباط کامل در بحث دعوی متقابل ماده ۱۴۱ آمده است. بدین مفهوم که بین دو دعوی وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک موثر در دیگری باشد. بیان نویسندگان راجع به این موضوع متفاوت است. اغلب نویسندگان مثال هایی زده اند که رای یک دعوا موثر در دعوی دیگر است. عده ای معتقد هستند چون به همراه حکم دادن راجع به خلع ید، در مورد مطالبه اجرت المثل هم حکم صادر می شود، پس بین این دو دعوا ارتباط کامل وجود دارد. اما زمانی بین دو دعوا ارتباط کامل وجود دارد، که پذیرش یکی از دو خواسته مطرح شده بارخواست دیگر ملازمه دارد، یعنی اگر این خواسته پذیرفته شد آن دیگری رد می شود و بالعکس. مثلاً زوجه تقاضای طلاق می کند، زوج

دعوای متقابل الزام به تمکین مطرح می نماید. اگر حکم به طلاق داده شود الزام به تمکین باید رد شود یا بالعکس. یا مثلاً شخصی دعوای مطالبه حقی که مبتنی بر قرارداد است را اقامه می نماید، خوانده بطلان همان قرارداد را خواستاری شود. اگر حکم بطلان قرارداد صادر شود، دیگر حق مربوط به آن قابل مطالبه نیست و اگر به حقی که مبتنی بر قرارداد است حکم داده شود، ادعای بطلان قرارداد باید رد شود. خلاصه اینکه ارتباط کامل مفهومی خاص و مضیق دارد که در بحث دعوای متقابل مطرح می شود. ماده ۱۴۱ ق.آ.د.م در این زمینه مقرر می دارد: «خوانده می تواند در مقابل ادعای خواهان، اقامه دعوا نماید. چنین دعوایی در صورتی که با دعوای اصلی ناشی از یک منشا بوده یا ارتباط کامل داشته باشد، دعوای متقابل نامیده می شود و توأماً رسیدگی می شود و چنانچه دعوای متقابل نباشد در دادگاه صالح به طور جداگانه رسیدگی خواهد شد. بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هریک موثر در دیگری باشد.» ماده ۱۷ ق.آ.د.م فقط قید "ارتباط" را بیان نموده است. در بحث جلب ثالث مواد مربوط به جلب، از حیث اینکه چه نوع ارتباطی باید بین دعوای اصلی و جلب باشد حرفی به میان نیاورده است. به همین دلیل باید به ماده ۱۷ ق.آ.د.م به علت طاری بودن دعوای جلب رجوع کرد. بعد از آن می توان نتیجه گیری نمود که ارتباط دعوای اصلی و جلب باید احراز شود تا عنوان دعوای جلب بر آن صدق کند. منتها این ارتباط، با ارتباط کاملی که در دعوای متقابل بیان شد متفاوت است و فقط یک ارتباط ساده می باشد. اگر دعوای جلب ثالث اصلی اقامه شود به این معناست که هدف جالب محکومیت مجلوب است اما این خواسته جالب باید با خواسته دعوای اصلی ارتباط داشته باشد. مثلاً مالی معامله فضولی قرار می گیرد. مالک ضمن اینکه رد معامله فضولی را اعلام می کند رد عین مالش را از مورد مشتری می خواهد. مشتری که می داند محکوم می شود جهت حفظ حقوق خود و به استناد حقی که قانون مدنی به وی داده است، جهت مطالبه ثمن و خسارات، با عین فضولی را به دادرسی فرا می خواند و دادخواست جلب ثالث را با خواسته الزام مشارالیه به استرداد ثمن و جبران خسارت تقدیم دادگاه می نماید. درست است که هدف جالب محکومیت مجلوب است اما خواسته اش در ارتباط با دعوای اصلی است. گاهی هدف از جلب ثالث، فراخواندن مجلوب به دعوا جهت حمایت از موضع جالب می باشد. در این حالت محکومیت مجلوب مدنظر نیست و وی صرفاً نقش حمایتی در دعوا دارد. علی ای حال باید با دعوای اصلی ارتباط داشته باشد تا بتوان آن را دعوای جلب ثالث دانست. شرط دیگری که ماده ۱۷ ق.آ.د.م

ذکر نموده، ناشی شدن دعوای اصلی و جلب ثالث از یک منشا می باشد. البته وجود یکی از دوشروط کافی است تا بتوان دعوای دوم را دعوای طاری دانست. ناشی از یک منشا بودن دو دعوای سببی که دعوای اصلی و جلب ثالث براساس آن اقامه شده است در هر دو دعوا یکسان باشد. مثلاً هرگاه خواهان رد عین مال مغضوب را از خوانده بخواهد و خوانده ثالث را به دعوا جهت رد عین مال مغضوب دعوت نماید، منشا دو دعوای اصلی و جلب یکسان می باشد. پس دعوای جلب ثالث را می توان علیه کسی اقامه نمود که ارتباطی بادعوای اصلی داشته باشد. حکم تمیزی شماره ۶۶۶۲-۱۷۷۹ مورخ ۱۳۰۹/۱۲/۱۴ بیان می نماید: «دعوای خسارت حاصله از محاکمه تابع محاکمه اصلی است، بنابراین مدعی نمی تواند شخصی را که در محاکمه اصلی دخالت نداشته جلب کند.» حقوق فرانسه ارتباط دعوای جلب ثالث را با دعوای اصلی باقید «ارتباط کافی» بیان نموده است. اینکه ارتباط کافی در حقوق فرانسه به چه معناست نیاز به تفحص بیشتر دارد که در حوصله این تحقیق نمی گنجد.

بند سوم : رعایت مهلت اقدام

در این بند رعایت مهلت اقامه دعوای جلب ثالث در همه مراحل بررسی می شود. البته در همه مراحل امکان جلب ثالث وجود ندارد، اما جهت روشن شدن این امر که در کدام مراحل امکان اقامه دعوای جلب ثالث وجود دارد و در کدام مراحل این امکان وجود ندارد، جلب ثالث را در تمامی مراحل بررسی می کنیم.

الف : مرحله بدوی

ماده ۱۳۵ ق.آ.د.م بیان می دارد: «هریک از اصحاب دعوا که جلب شخص ثالثی را لازم بدانند می تواند تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه اول با تقدیم درخواست از دادگاه درخواست جلب او را بنماید چه دعوا در مرحله نخستین باشد یا تجدیدنظر.» طبق ماده فوق زمان تقدیم دادخواست جلب ثالث در مرحله بدوی ظرف سه روز پس از جلسه اول دادرسی است، اما به شرط آنکه جهات و دلایل جلب ثالث تا پایان جلسه اول دادرسی اعلام شده باشند. مقتن به منظور پرهیز از اطاله دادرسی و نظم بخشیدن به روند رسیدگی، مهلت اقامه این دعوا را محدود و معین نموده است. هر چند ممکن است سبب

جلب ثالث در حین رسیدگی کشف شود، اما از آنجایی که می توان این دعوای به طور مستقل مطرح نمود، قانونگذار جلوگیری از اطاله دادرسی و نظم بخشیدن به مقررات مربوط به رسیدگی را به احتمال ایجاد سبب جلب ثالث در حین رسیدگی ترجیح داده است. نکته بعد این است که آیا می توان قبل از تشکیل جلسه اول دادرسی دادخواست جلب را تقدیم نمود؟ در جواب به این سوال برخی اینگونه پاسخ داده اند: «ذکر جهات و دلایل مانع از آن است که هر یک از اصحاب دعوا قبل از حلول جلسه، دادخواست جلب ثالث بدهد.»^۱ این نظر صحیح نیست زیرا براساس ماده ۱۳۵ ق.آ.د.م مهلت ذکر جهات و دلایل جلب شخص ثالث تا پایان جلسه اول دادرسی است. پس انتهای مهلت جلب ثالث به این صورت است که می توان جهات و دلایل آن را تا پایان جلسه اول اعلام نمود و تا سه روز بعد دادخواست تقدیم کرد. لذا، تقدیم دادخواست جلب ثالث قبل از حلول جلسه اول یا در حین جلسه اول دادرسی هیچ مانعی ندارد. برخی از نویسندگان نظراً بر این را حمایت می کنند و تقدیم دادخواست قبل از جلسه اول را صحیح می دانند. وجود چنین نظری حاکی از مهم نبودن بیان جهت جلب در جلسه اول دادرسی است. همچنین نظردیگری در این مورد بیان می نماید: «هرگاه احد از اصحاب دعوا قبل از حلول جلسه اول مبادرت به تقدیم دادخواست جلب ثالث بنماید، در صورتی که از زمان تقدیم دادخواست تا جلسه دادرسی ...»^۲ از عبارت فوق بر می آید که می توان قبل از جلسه اول دادخواست جلب را تقدیم نمود. البته نظر فوق براساس قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ بیان شده و قانون مذکور ذکر جهات و دلایل در جلسه اول را لازم ندانسته و به امکان تقدیم دادخواست در جلسه اول تصریح نموده بود. دادخواست مربوط به دعوی جلب ثالث را می توان توأم با دادخواست اصلی در مراحل وخواهی و تجدیدنظر تقدیم نمود. در مرحله بدوی هم شاید بتوان همزمان با دادخواست اصلی، دادخواست جلب را ارائه نمود اما این عمل منطقی نیست زیرا جلب ثالث معنایش این است که دعوی قبلاً تحت عنوان دعوی اصلی مطرح شده، حال ضمن آن اقدام به جلب ثالث می شود. لذا اگر به همراه دادخواست اصلی در مرحله بدوی دادخواست جلب ثالث تقدیم شود، این ایراد

۱- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، نکته های کلیدی آیین دادرسی مدنی، انتشارات جاودانه، چاپ سوم

۱۳۹۰، ص ۱۳۵

۲- بهزادی، بهادر، همان منبع، ص ۵۲

۳- احمدی، نعمت، آیین دادرسی مدنی، انتشارات اطلس، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۴۳۹

را دارد که دعوای اصلی هنوز اقامه نشده است. تقدیم نمودن دادخواست جلب به همراه دادخواست واخواهی یا تجدیدنظر از این نظر بلامانع است که دعوای اصلی قبلاً اقامه شده است و اکنون در مرحله واخواهی یا تجدیدنظر، دعوای جلب ثالث نیز به آن ملحق می گردد. در قانون اصول محکmat حقوقی مهلت اقدام به جلب ثالث برای اصحاب دعوا تفکیک شده بود. مواد ۴۰۸ و ۴۰۹ قانون مزبور چنین مقرر نموده بود: مدعی علیه در صورتی که خود را محق به جلب شخص ثالثی به محکمه دانسته و خواستار آن بشود باید عرض حال در این باب به محکمه قبل از موعدی که برای حضور او در محکمه معین شده است بدهد. (ماده ۴۰۸ ق.ا.م.ح)

مدعی نیز در صورتی که بخواهد برای جواب به اعتراض مدعی علیه، شخص ثالثی را به محکمه جلب کند می تواند در جلسه اول محکمه این اظهار را بنماید ولی عرض حال خود را در این باب لااقل فردای آن روز بدهد. (ماده ۴۰۹ ق.ا.م.ح) در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ این موعد در دادرسی های عادی و اختصاری تفکیک شده بود. ماده ۲۷۵ قانون مذکور بیان می داشت: «دادخواست جلب شخص ثالث در دادرسی های عادی از مدعی علیه تا موعد آخرین لایحه که می دهند پذیرفته می شود.» و در دادرسی های اختصاری ماده ۲۷۶ مقرر می داشت: «در دادسی های اختصاری هرگاه یکی از اصحاب دعوا بخواهد درخواست جلب ثالث نماید باید تا آخر جلسه اول اظهار کرده و دادخواست آن را در ظرف سه روز پس از جلسه به دفتر دادگاه بدهد.» یکی از تفاوت های جلب ثالث و ورود ثالث این است که قانونگذار برای ورود ثالث به دعوا موعدی در نظر نگرفته است زیرا امکان دارد ثالث تا مدت ها از جریان دادرسی بی اطلاع بماند.

مهلت اقامه دعوای جلب ثالث در دیوان عدالت اداری برای طرفین دعوای اصلی تفکیک شده است. هرگاه دعوایی در دیوان اقامه شده باشد و شاکی در صدد اقامه دعوای جلب ثالث باشد، باید ظرف سی روز پس از تقدیم دادخواست اصلی، دادخواست جلب خود را تسلیم کند. طرف دیگر دعوای اصلی جهت اقامه دعوای جلب ثالث، می تواند ضمن پاسخ کتبی، دادخواست جلب خود را تقدیم نماید. ماده ۵۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مقرر می دارد: «هرگاه شاکی جلب شخص حقیقی یا حقوقی دیگری غیر از طرف شکایت را به دادرسی لازم بداند، می تواند ضمن دادخواست تقدیمی یا دادخواست جداگانه، حداکثر ظرف سی روز پس

از ثبت دادخواست اصلی تقاضای خود را تسلیم کند. همچنین در صورتی که طرف شکایت، جلب شخص حقیقی یا حقوقی دیگری به دادرسی راضی نباشد، می تواند ضمن پاسخ کتبی، دادخواست خود را تقدیم نماید. در این صورت شعب دیوان تصویر از دادخواست، لوایح و مستندات طرفین را برای شخص ثالث ارسال می کند.^۱ همانگونه که از متن ماده مشخص است، قانونگذار ابلاغ دادخواست جلب را فقط به ثالث کافی دانسته است و در این مورد نیازی به ابلاغ آن به طرف دیگر دعوی اصلی نیست. مقنن در ماده ۱۳۵ ق.آ.د.م بیان نموده که هرگاه جالب بخواهد اقامه دعوی جلب ثالث نماید باید تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلائل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه، دادخواست جلب را تقدیم نماید. نکته قابل توجه این است که آیا تقدیم دادخواست جلب ثالث باید مسبوق به بیان جهات و دلائل جلب در جلسه اول باشد؟ به عبارت دیگر در صورتیکه جالب، جهات و دلائل خود را در جلسه اول بیان ننماید اما ظرف سه روز بعد از جلسه، دادخواست جلب خود را تقدیم دادگاه نماید دادخواست از وی پذیرفته نمی شود؟ دعوی جلب ثالث از انواع دعاوی طاری است که به تبع دعوی اصلی شکل می گیرد و اولین تأثیرش بر روند رسیدگی، اطلاع دادرسی می باشد. به همین جهت دادگاه قبل از رسیدگی یا پذیرش این دعوا، موثر بودن این دعوا در دعوی اصلی را مدنظر قرار می دهد. در متن قانون مواردی وجود دارد که دادگاه را در صورت موثر بودن آن موضوع، مجاز به رسیدگی دانسته است. «درخواست رسیدگی به گواهی در صورتی دادگاه راجع به رسیدگی می کند که دادگاه لااقل احتمال بدهد که ادای شهادت در اثبات دعوا یا دفاع به نحوی از انحاء تأثیر دارد.»^۱

منابع و مآخذ

- ۱) اباذری فومشی، منصور (۱۳۸۵). مجموعه نظرات مشورتی اداره حقوقی دادگستری (قوه قضاییه)، چاپ اول، انتشارات خط سوم.
- ۲) احمدی، نعمت (۱۳۷۱). آیین دادرسی مدنی، چاپ اول، انتشارات اطلس.
- ۳) اصغرزاده بناب، مصطفی (۱۳۸۹). مجموعه محشای آرای وحدت رویه حقوقی هیات عمومی دیوان عالی کشور ۱۳۸۹-۱۳۲۳، چاپ سوم، انتشارات مجد.
- ۴) افسران، قاسم و ابوذر علوی (۱۳۸۵). آیین دادرسی مدنی در آئینه نمودار، چاپ اول، انتشارات نگاه بینه.
- ۵) بازگیر، یدالله (۱۳۸۴). تشریفات دادرسی مدنی در آئینه آراء دیوان عالی کشور، چاپ سوم، انتشارات فردوسی.
- ۶) بخشی، عبدالله (۱۳۹۰). مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تاثیر آن در رویه قضایی، جلد اول، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار.
- ۷) بهرامی، بهرام (۱۳۷۶). آیین دادرسی عملی حقوقی، بااصلاحات و اضافات، چاپ سوم، روزنامه رسمی.
- ۸) ----- (۱۳۸۲). آیین دادرسی مدنی کاربردی، چاپ ششم، موسسه فرهنگی انتشارات نگاه بینه.
- ۹) بهشتی، محمدجواد، نادر مردانی (۱۳۸۵). آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- ۱۰) پوراستاد، مجید (۱۳۸۷). اصول وقواعد آیین دادرسی مدنی فراملی، چاپ اول، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش.
- ۱۱) جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). ترمینولوژی حقوق، جلد (۳)، انتشارات امیرکبیر.

- ۱۲) ----- (۱۳۴۵). دانشنامه حقوقی، جلد (۲)، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳) ----- (۱۳۵۸). دانشنامه حقوقی، جلد (۵)، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۴) ----- (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد (۳)، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش.
- ۱۵) جهانگیر، منصور (۱۳۷۸). مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوقی، جلد اول، چاپ اول، نشر دیدار.
- ۱۶) حسینی، محمدرضا (۱۳۸۰). قانون آیین دادرسی مدنی در رویه قضایی، چاپ اول، انتشارات مجد.
- ۱۷) حیاتی، علی عباس (۱۳۹۰). کلیات آیین دادرسی مدنی، چاپ اول، نشر میزان.
- ۱۸) ----- (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، نشر میزان.
- ۱۹) ----- (۱۳۸۴). شرح قانون آیین دادرسی مدنی، چاپ نخست، انتشارات سلسیل.
- ۲۰) ----- (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی (۳)، چاپ اول، نشر میزان.
- ۲۱) زراعت، عباس (۱۳۸۳). قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی ایران، چاپ اول، انتشارات خط سوم.
- ۲۲) ----- (۱۳۷۹). شرح قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، چاپ اول، انتشارات خط سوم.



مرکز آموزش علمی-کاربردی
سازمان همیاری شهرداری های
تکانه منان



فاندا فوندا فوندا

بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند

با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی-کاربردی، سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان



همایش ملی

علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی



پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by

CIVILICA

We Respect the Science

TBPN.com

Sponsored And Indexed

همایش های ایران

symposia

CONF PAPER

کنفرانس ها

International Scientific Association

تجارب علمی ایران

انجمن علمی ایران

دکتر بهنام اسدی

مسئول برگزاری

محور های همایش:

پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸

اصفهان سالن اجلاس دانشگاه

ارکان کلیدی همایش

دبیر اجرایی همایش:

دکتر امین امیریان فارسانی

رئیس هیات داوران:

دکتر سعید سامانی مجد

رئیس شورای سیاست گذاری:

دکتر سعید خردمندی







جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار

کافیست فایل word مقاله خود را به همراه

شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید

phdsara@yahoo.com

ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره

09100636002

همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود

دبیر خانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم

واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ واحد صدور مدرک ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

www.olomensani.IR